

تحلیل ساختاری تاثیر آموزش‌های مهارت کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان کارون

سارا محمدی^{۱*}

مهدی نداف^۲

محمد جدی نژاد^۳

چکیده

در دنیای متحول و عصر نوآوری و تغییرات مداوم، کامیابی برای جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود، رابطه معناداری برقرار کنند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش‌های مهارت کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان کارون است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی - همبستگی به‌شمار می‌رود. بدین منظور برای انجام پژوهش، ۳۲۵ نفر از دانش‌آموزان هنرستان‌های شهرستان کارون به‌روش تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد دارای روایی و پایایی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم افزار لیزرل انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از تاثیر مثبت و معنادار آموزش‌های مهارتی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی دانش‌آموزان؛ و تاثیر مثبت نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان است. همچنین نقش میانجی نگرش کارآفرینانه در تاثیر آموزش‌های مهارتی بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان به‌طور معنادار تایید گردید. نتایج این پژوهش می‌تواند در جهت تصمیم‌گیری و اقدامات مناسب برای ایجاد و راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه دانش‌آموزان در آینده مورد توجه مسئولین و مدیران آموزش و پرورش، سازمان فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌های شهرستان کارون قرار گیرد.

^۱ دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) * s.mohammadi@scu.ac.ir

^۲ دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های مهارتی، کارآفرینی، نگرش کارآفرینانه، باور خودکارآمدی

Structural analysis of the effect of entrepreneurship skills training on entrepreneurial attitude and entrepreneurial self-efficacy in the students of conservatories in Karun city

*^۱Sara Mohammadi

^۲Mahdi Nadaf

^۳Mohammad Jeddinezhad

Abstract

In the changing world and the era of innovation and continuous changes, success is for societies and organizations that establish a meaningful relationship between scarce resources and their human resource management and entrepreneurship capabilities. The purpose of this research is to investigate the effect of entrepreneurship skills training on the entrepreneurial attitude and self-efficacy belief of students of conservatories in Karun city. This study is an applied research in terms of its purpose and descriptive-correlation in terms of data collection method. For this purpose, to conduct this research, ۳۲۰ students of conservatories in Karun city were randomly selected and examined. The data collection tools were standard questionnaires with validity and reliability. Data analysis and hypothesis testing were done with structural equation modeling method and with Lisrel software. The research results indicate the positive and significant effect of skill training on the entrepreneurial attitude and self-efficacy belief of students; And the positive effect of entrepreneurial attitude on students' self-efficacy belief. Also, the mediating role of entrepreneurial attitude in the effect of skill training on students' self-efficacy belief was confirmed significantly. The results of this research can be taken into consideration by the officials and managers of education, technical and professional organization and conservatories of Karun city in the direction of decision-making and appropriate actions to create and launch entrepreneurial businesses of students in the future.

Keywords: Skill Training, Entrepreneurship, Entrepreneurial Attitude, Self-efficacy Belief

^۱ Associate Prof. in Management, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)*

^۲ Associate Prof. in Management, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

^۳ MSc Student in Management, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

مقدمه

آماده‌سازی جوانان برای ورود موفق به بازار کار یکی از مسئولیت‌های مهم نظام آموزشی هر کشور است. در دنیای رقابتی و متلاطم امروزی، کامیابی متعلق به جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود، رابطه معناداری برقرار کنند. به عبارت دیگر، جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه، تجهیز کند تا آنها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش، حصول رشد و کارایی و کارآفرینی، مدیریت و هدایت کنند. لیکن به نظر می‌رسد به رغم تحولات چشم‌گیری که در کشور به وجود آمده، همچنان فاصله زیادی با وضعیت مطلوب در زمینه توسعه فرهنگ کارآفرینی و تربیت نیروی انسانی خلاق و کارآفرین وجود دارد. بی‌توجهی به آمادگی‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی نیروی انسانی شاغل در مدارس و دانشگاه‌ها یکی از موانع مهم در توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی در محیط‌های آموزشی است (مسلمی و همکاران، ۱۴۰۰).

آموزش و تربیت مهارت‌ورزان در هزاره سوم به عنوان آموزش‌های فراابردی در جهت توسعه پایدار کشورها به شمار می‌روند. در کشور ما ارائه‌دهندگان آموزش و متولیان تربیت مهارتی و فنی در سطوح مختلف بسیار متنوع و گسترده می‌باشند و در سه قالب رسمی، غیررسمی و سازمان نایافته متجلی‌اند. وجود یک نظام منسجم و پویا در حوزه آموزش مهارتی و تربیت حرفه‌ای به همراه یک نهاد هماهنگ‌کننده از الزامات تضمین کیفیت و ارتقای جایگاه این آموزش‌ها در کشور می‌باشد. علیرغم تأکید بر جایگاه این آموزش‌ها و همچنین تشکیل نهاد هماهنگ‌کننده آموزش‌های مهارتی مطابق مفاد قانونی هنوز این نظام و نهاد استقرار نیافته است، کما اینکه در بند ۱ و ۲ سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی مقام معظم رهبری مجدداً بر تشکیل یک نظام کارآمد متناسب تأکید شده است (جدیدی محمدآبادی، یزادانی زاده و راوری، ۱۳۹۹).

امروزه در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، آموزش‌های مهارتی اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است و در برنامه‌ریزی توسعه کشورها نقشی راهبردی ایفا می‌نماید. رشد فزاینده جمعیت، میزان بالای بیکاری و مشارکت روزافزون انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، تقاضاهای جدیدی را برای آموزش نیروی انسانی ماهر و آموزه‌های عملی ایجاد کرده است که این شرایط نیز خود بر اهمیت

حیاتی این آموزش‌ها افزوده است در این میان، تعیین کیفیت سرمایه‌های انسانی صرفاً با در نظر گرفتن سطح مدارک و سطوح تحصیلی افراد با چالش‌های زیادی روبه‌رو شده است؛ افراد و توانایی‌های آن‌ها صرفاً با مدرک تحصیلی آنان برابر نیست (ماری، ۲۰۲۱). آموزش مهارتی عبارت از رویارویی دانش-محور مستقیم با عوامل محیطی و طراحی دوره‌های استاندارد متناسب با توان موجود که به‌منظور خنثی‌سازی تهدیدها و ایجاد اقداماتی بر پایه فرصت‌ها و با هدف تقویت یا بهبود نقاط قوت در دوره زمانی میان مدت است. یکی از پیامدهای مهم و مثبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تحرک اجتماعی جوانان و کاهش بیکاری در آنان است (اندرسون، ۲۰۱۸). این آموزش‌ها افراد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کند. همچنین آموزش‌های فنی حرفه‌ای باعث افزایش توان رقابت بنگاههای اقتصادی، تولیدی و صنعتی شده و عدم توازن را در بازار کار کاهش می‌دهد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸).

هم‌زمان با آشکار شدن نقش و تأثیر کارآفرینی بر روند اشتغالزایی و رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، تلاش در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیه کارآفرینانه در بین مدیران، تجار، دانشجویان و کارآفرینان بالفعل و از جمله دانش‌آموزان شدت گرفت و آموزش کارآفرینی در بیشتر کشورهای پیشرفته و حتی در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک ضرورت مطرح شد. آموزش کارآفرینی، فرایندی نظام مند، آگاهانه و هدفگراست که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای کارآفرینی استفاده می‌شود و بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیرکارآفرین را در پی خواهد داشت (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۹).

براین اساس، آموزش‌ها بر نگرش کارآفرینانه تأثیرگذارند. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که آموزش‌های کارآفرینی بر نگرش خاص به کارآفرینی تأثیرگذار است و این نگرش‌ها قصد کارآفرینی و اشتغال را در فراگیران به‌وجود می‌آورد (جاین و همکاران، ۲۰۱۵؛ گیب، ۲۰۰۵؛ بهمنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زابری و خسروی پور، ۱۳۹۷). کیم و یانگ (۲۰۱۷) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که نگرش‌ها بهترین پیش‌بینی‌کنندگان برای تمایلات کارآفرینانه هستند.

از سوی دیگر، باورهای خودکارآمدی در زمینه کارآفرینی یکی از ملزوماتی است که برای داشتن انگیزه کارآفرینی و نیز تلاش برای انجام دادن فعالیت‌های کارآفرینانه لازم و ضروری به شمار می‌آید برای مثال، برخی از افراد انجام دادن فعالیت کارآفرینانه و جدید را دوست دارند اما نمی‌توانند به آن اقدام کنند و البته دلیل این امر نبود توانایی، دانش و مهارت لازم در آن کار نیست، بلکه به دلیل وجود نداشتن اعتقاد و باور به این توانایی و مهارت است (لوتانز و همکاران،

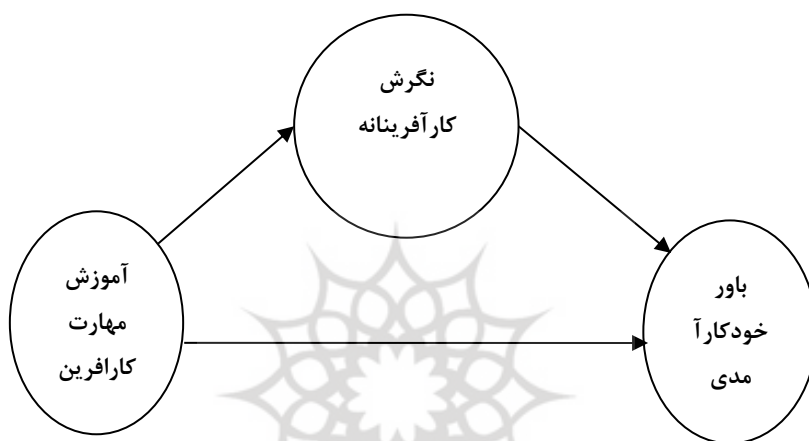
۲۰۰۰). منشا پدیده خودکارآمدی نظریه شناخت اجتماعی بندورا می‌باشد که بر اساس آن، خودکارآمدی از طریق تسلط افراد بر مهارت‌ها، شناسایی با مدل‌های نقش، اقناع اجتماعی توسط دیگران (مثل همسالان، والدین، استادان، و مدل‌های نقش) و قضاوت درباره حالات فیزیولوژیکی خود به وجود می‌آید (عشقی عراقی و غنی‌پور، ۱۳۹۶).

باور خودکارآمدی اعتقادی است که فرد برای دستیابی به سطح مشخصی از عملکرد و نیز برای دستیابی به نتایج دلخواه خویش نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود دارد. مطالعات نشان داده افرادی که باورهای خودکارآمدی قوی دارند، معتقدند که می‌توانند به‌طور مؤثر با رویدادها و شرایطی که با آن مواجه می‌شوند برخورد کنند و در ادای تکالیف پشتکار دارند و اغلب میزان عملکرد بالایی دارند (دالگرن و همکاران، ۲۰۲۰؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۳). آلبرت بندورا خودکارآمدی را پیش‌شرط اساسی برای آزادسازی استعدادهای پنهان کارآفرینی افراد می‌داند. واژه خودکارآمدی در اصل به معنای قضاوت افراد در باره توانایی‌های خود برای سازماندهی و اجرای ملزوماتی است که برای انجام دادن یک فعالیت خاص لازم است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعات متعدد نشان داده خودکارآمدی بر نگرش کارآفرینانه و نیز بر قصد و تمایل به کارآفرینی تاثیر مثبت و معنادار دارد (والدز و پرز دی لما، ۲۰۲۳؛ واردانا و همکاران، ۲۰۲۱؛ تیهیک و همکاران، ۲۰۲۱؛ دیانتی و همکاران، ۱۳۹۷؛ صفا و منگلی، ۱۳۹۶).

پایین بودن سطح مهارت‌ها، طرفداران آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های کلاسیک را به نوعی تقابل کشانیده است و سرعت تغییرات فن‌آوری و انتظارات بازار کار نسبت به نیروی ماهر و به تبع آن تشدید ضرورت آموزش‌های حرفه‌ای در قالب آموزش‌های حین کار، به شدت این تقابل دامن زده است به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آسیایی انتخاب بین آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای به عنوان یک تصمیم دشوار قلمداد می‌شود. آموزش‌های مهارتی در مقایسه با آموزش‌های نظری از لحاظ هزینه‌ها گران‌تر هستند و از سوی دیگر لازم است بین آموزش‌های عرضه‌شده و نیاز بازار کار تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد. صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی کشور باید به تحولات سریع فناوری توجه کند و آموزش‌های مهارتی نیز باید رشته‌ها و استانداردهای آموزشی خود را متناسب با پیشرفت‌های فناورانه به صورت مطلوب بهبود بخشند (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸). به همین دلیل در کشورهای صنعتی در صورت احساس نیاز صنعت به رشته جدیدی که در پیشرفت فناوری مؤثر باشد طی کوتاه‌ترین زمان ممکن است آن رشته در مراکز آموزشی صنعتی و غیره راه‌اندازی شود.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده این پژوهش درصدد پاسخ دادن به این سؤال هست که آموزش‌های مهارتی در مدارس فنی حرفه‌ای یا هنرستان‌ها تا چه اندازه بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان شهر کارون تاثیر دارد؟ و آیا نگرش کارافرینانه در این میان می‌تواند نقش میانجی معناداری ایفاء کند؟

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و متغیرهای مورد مطالعه مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ تدوین و پیشنهاد گردیده است:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

روش پژوهش

براساس مدل پژوهش، این مطالعه از نظر هدف و شیوه پژوهش، کاربردی و کمی؛ از نظر استراتژی، پیمایشی؛ برحسب افق زمانی، مطالعه‌ای مقطعی؛ و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها (طرح تحقیق)، در دسته پژوهش‌های توصیفی همبستگی و از حیث روش گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای است (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۴۰۰؛ سرمد و همکاران، ۱۴۰۱). جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم هنرستان‌های شهرستان کارون تشکیل می‌دهند؛ که مطابق آمار موجود، تعداد آنها شامل ۱۵۹۰ نفر مجموعاً از ۱۲ هنرستان می‌باشند. به دلیل تعداد زیاد و پراکندگی و همچنین دشواری دسترسی به تمام اعضای جامعه آماری، اقدام به نمونه‌گیری شده است. در این

پژوهش، براساس جدول مورگان و با توجه به مشخص بودن تعداد کل اعضای جامعه آماری (۱۵۹۰ نفر) تعداد ۳۱۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین دانش‌آموزان پسر هنرستان‌های شهر کارون انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از کتاب‌ها، مقالات علمی بین‌المللی و پایگاه‌های معتبر علمی) استفاده شده است. برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد دارای روایی و پایایی استفاده گردید. پرسشنامه تحقیق شامل دو بخش است. بخش اول اطلاعات فردی مشارکت‌کنندگان است و بخش دوم مربوط به اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق است. قسمت دوم پرسشنامه شامل ۲۲ سوال (گویه) است. بدین ترتیب برای سنجش خودکارآمدی کارآفرینانه از پرسشنامه توسعه یافته لینان و چن (۲۰۰۹) و لورز (۲۰۱۱)، برای سنجش آموزش مهارت‌های کارآفرینی از پرسشنامه ۸ گویه‌ای اسمیت و همکاران (۲۰۰۶) استفاده شد که در آن مهارت‌های عملیاتی شامل مهارت‌های لازم برای تولید کالا و خدمات، مهارت‌های اداری شامل روابط با افراد و کارکنان اداری، یادگیری و حل مساله اندازه‌گیری می‌شوند. برای سنجش نگرش کارآفرینانه نیز از پرسشنامه آتاید (۲۰۰۹) و بر مبنای طیف پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۵) مورد استفاده قرار گرفته است. روایی صوری و محتوای پرسشنامه‌ها با توجه به استفاده مکرر در پژوهش‌های علمی معتبر و نیز اظهارنظر متخصصین و اساتید رفتار سازمانی و منابع انسانی تایید شده است. روایی واگرا و همگرایی آنها نیز در تحلیل داده‌ها انجام و تایید شده است. برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری رویکرد آماری جامعی برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای مکنون می‌باشد (کلاین، ۲۰۲۳)

تحلیل داده‌های پژوهش

با توجه به وجود متغیرهای کنترل جنسیت و مقطع تحصیلی (فقط دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم مورد مطالعه قرار گرفته‌اند)، توزیع فراوانی نمونه آماری براساس گروه سنی نشان داد

بیشترین تعداد (بیش از ۸۵٪) دانش‌آموزان مورد بررسی، در ردهٔ سنی ۱۶ تا ۱۸ سال قرار داشتند. نتایج بار عاملی و پایایی و روایی پرسشنامه در جدول (۱) قابل مشاهده است:

جدول ۱: نتایج پایایی و روایی پرسشنامه

متغیرها	سوالات	بار عاملی	t	آلفای کرونباخ	CR پایایی مرکب	AV
باورهای خودکارآمدی	سؤال ۱	۰/۵۵	۵/۶۴	۰/۷۱	۰/۸۱	۰/۵۹
	سؤال ۲	۰/۵۶	۵/۰۲			
	سؤال ۳	۰/۵۶	۵/۶۰			
	سؤال ۴	۰/۵۴	۵/۴۰			
	سؤال ۵	۰/۵۷	۶/۰۰			
	سؤال ۶	۰/۵۶	۵/۹۶			
	سؤال ۷	۰/۵۷	۵/۸۹			
	سؤال ۸	۰/۵۱	۵/۶۶			
	سؤال ۹	۰/۵۵	۵/۸۳			
	سؤال ۱۰	۰/۶۸	۶/۵۰			
آموزش‌های مهارتی	سؤال ۱۱	۰/۷۰	۱/۲۳	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۶۲
	سؤال ۱۲	۰/۵۳	۸/۴۲			
	سؤال ۱۳	۰/۶۴	۹/۷۸			
	سؤال ۱۴	۰/۷۸	۱/۴۶			
	سؤال ۱۵	۰/۶۷	۶/۸۳			
	سؤال ۱۶	۰/۶۳	۹/۲۷			
	سؤال ۱۷	۰/۵۹	۷/۳۳			
نگرش کارآفرینانه	سؤال ۱۸	۰/۷۵	۶/۱۲	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۵۳
	سؤال ۱۹	۰/۷۵	۶/۰۷			
	سؤال ۲۰	۰/۵۱	۲/۸۹			
	سؤال ۲۱	۰/۵۵	۳/۵۹			
	سؤال ۲۲	۰/۵۷	۲/۱۰			

همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی سوالات پرسشنامه دارای مقادیر آماره T معنادار بوده و ضرایب بار عاملی بالای ۰/۴ قابل قبول می‌باشد. روایی همگرا نیز مقادیر بالاتر از ۰/۵ را نشان

می‌دهد که معرف روایی مطلوب می‌باشد. همچنین مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ که همگی بالاتر از ۰/۷ است بیان‌گر تایید پایایی پرسشنامه است.

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

در انتخاب یک آزمون آماری برای پژوهش، باید تصمیم بگیریم که آیا از آزمون‌های پارامتریک استفاده کنیم یا آزمون‌های ناپارامتریک. یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها برای این انتخاب، انجام آزمون کولموگروف-اسمیرنوف است. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. نتایج این آزمون در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)

متغیرها	تعداد	چولگی	کشیدگی	مقدار آماره کولموگروف-اسمیرنوف	مقدار خطا (sig)	نتیجه
باورهای خودکارآمدی	۳۱۰	-۰/۷۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۵۹	۰/۰۷۱	نرمال
آموزش مهارت کارآفرینی	۳۱۰	-۰/۶۹۵	۰/۰۲۷	۰/۰۶۴	۰/۰۶۷	نرمال
نگرش کارآفرینانه	۳۱۰	-۰/۷۰۴	۰/۰۱۸	۰/۰۵۳	۰/۰۷۴	نرمال

در آزمون کولموگروف اسمیرنوف اگر sig متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ باشد توزیع داده‌ها نرمال و اگر کمتر از ۰/۰۵ باشند توزیع غیرنرمال خواهد بود (رحیمی، ۱۳۹۵). با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌توان از روش‌های آمار پارامتریک و از معادلات ساختاری استفاده کرد. جدول شماره ۳ ضرایب همبستگی متغیرها و همچنین شاخص‌های مرکزی نمونه را نشان می‌دهد:

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
باور خود کارآمدی	۴/۲۳	۱/۷	۱		
آموزش مهارت کارآفرینی	۳/۰۹	۰/۸۷	۰/۸۹**	۱	
نگرش کارآفرینانه	۳/۲۸	۰/۹۲	۰/۸۶**	۰/۷۸**	۱

** : Sig ≥ 99%

با توجه به مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه معنادار وجود دارد. پس از تایید رابطه همبستگی می‌توان با روش مدل‌سازی

معادلات ساختاری روابط علی میان متغیرها را سنجید.

براین اساس به منظور ارزیابی مدل مفهومی تدوین شده و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد و ارتباط بین متغیرهای پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت.

برازش مدل پژوهش

شاخص‌های کلی برازش مدل اندازه‌گیری نیز در جدول ۴ آمده است.

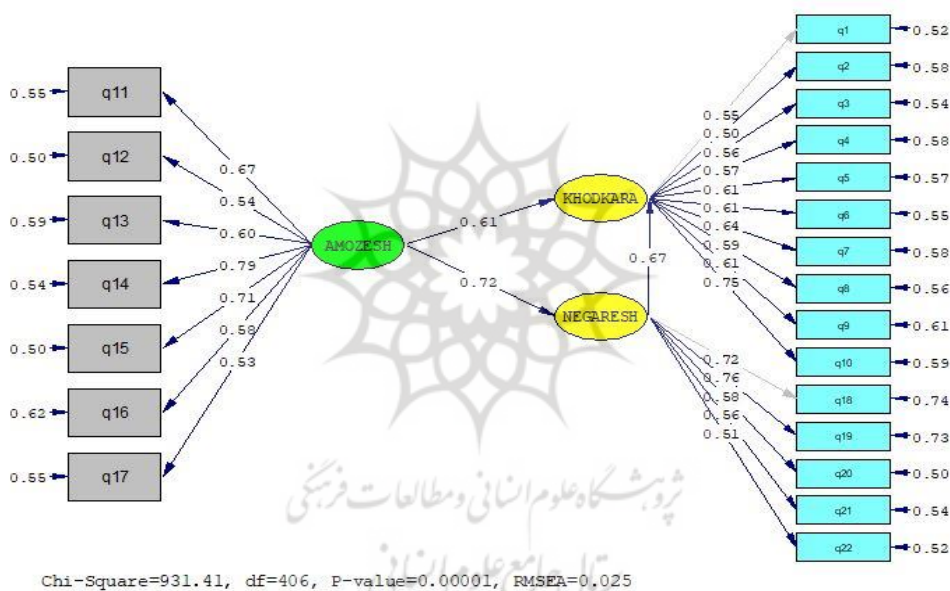
جدول ۴: نتایج شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

نام شاخص	اختصار	مقادیر مجاز (مطلوب)	میزان بدست آمده	نتیجه
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچکتر از ۰/۱	۰/۰۲۵	تائید
کای اسکور به درجه آزادی	$\frac{\chi^2}{d_f}$	مساوی و کوچکتر از ۱	۲/۲۹	تائید
شاخص نیکویی برازش	GFI	بزرگتر از ۰/۸ (نزدیک به ۱)	۰/۸۷	تائید
شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	بزرگتر از ۰/۸ (نزدیک به ۱)	۰/۹۳	تائید
شاخص برازش هنجار شده	NFI	بزرگتر از ۰/۸ (نزدیک به ۱)	۰/۹۳	تائید
شاخص برازش تطبیقی	CFI	بزرگتر از ۰/۸ (نزدیک به ۱)	۰/۹۶	تائید
شاخص برازش افزایشی	IFI	بزرگتر از ۰/۸ (نزدیک به ۱)	۰/۹۲	تائید

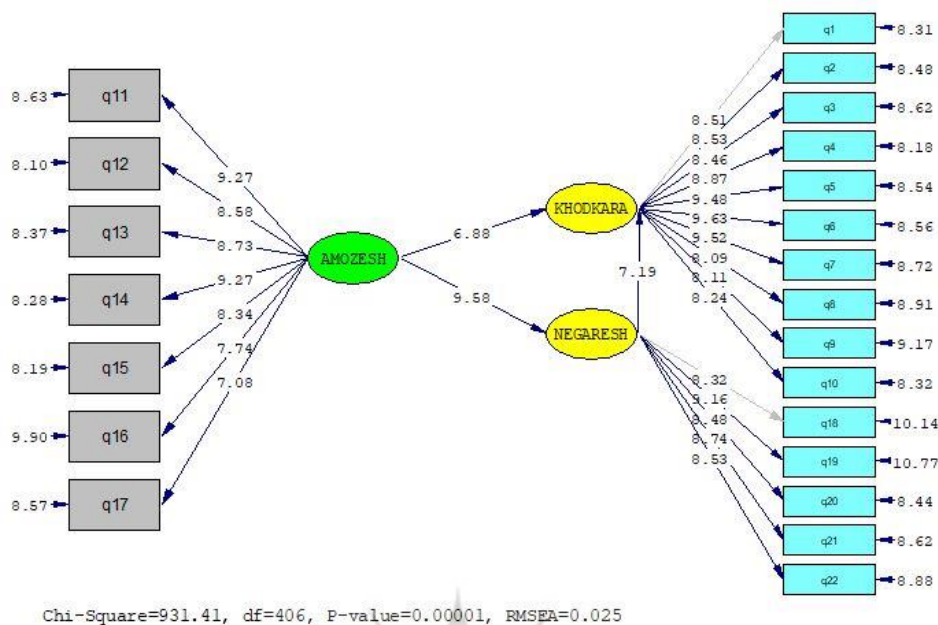
مطابق نتایج مندرج در جدول ۴ شاخص‌های برازش در دامنه قابل قبول قرار داشته که حکایت از برازش مناسب و مطلوب مدل اندازه‌گیری پژوهش دارد. بدین معنی که متغیرهای آشکار به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

براین اساس به منظور ارزیابی مدل مفهومی تدوین شده و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد و ارتباط بین متغیرهای پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تکنیک معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل استفاده گردید. بدین منظور از شاخص جزئی مقدار آماره t معناداری (T-Value) استفاده می‌شود. مقادیر t برای مدل تحقیق در شکل زیر ارائه شده است. با توجه به شکل و میزان ضرایب معناداری، از آنجا که برای رد یا تایید فرضیه‌ها مقدار t باید بیشتر از $1/96$ یا کمتر از $-1/96$ باشد، مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین مقادیر بین این دو مقدار حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج مربوط به فرضیه‌ها در شکل ۲ و ۳ ارائه شده است.



شکل (۱) سطح معناداری گویه متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است سطح معناداری بیشتر از ۱/۹۶ قابل قبول می‌باشد.



شکل ۲: اندازه گیری مدل کلی در حالت معنی داری

با استفاده از آزمون تی استیودنت معناداری و ضرایب مسیر میان متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار می گیرد. از آن جایی که در این تحقیق سطح اطمینان ۰/۹۵ یا سطح خطای ۰/۰۵ مدنظر است، ضرایب مسیر مثبت با مقدار آماره t بزرگتر از ۱/۹۶ معنادار شناخته می شوند و فرضیه پژوهشی مرتبط با آنها مورد تایید قرار می گیرد.

جدول ۵: نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه ها	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	عدد معناداری (T)	نتیجه
۱	آموزش های مهارتی	نگرش کارآفرینانه	۰/۷۲	۹/۵۸	تائید
۲	آموزش های مهارتی	باور خودکارآمدی	۰/۶۱	۶/۸۸	تائید
۳	نگرش کارآفرینانه	باور خودکارآمدی	۰/۶۷	۷/۱۹	تائید

با توجه به مقدار معناداری (T-value)، که بزرگتر از ۱/۹۶ و برابر با ۹/۵۸ و ۶/۸۸ است و ضرایب مسیر ۰/۷۲ و ۰/۶۱ فرضیه اول و دوم یعنی تاثیر مثبت معنادار آموزش‌های مهارتی کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی دانش‌آموزان پذیرفته می‌شود. همچنین عدد معناداری ۷/۱۹ و ضریب مسیر ۰/۶۷ نشان می‌دهد فرض سوم یعنی تاثیر معنادار نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی نیز مورد تایید قرار می‌گیرد. بدین معنا که آموزش‌های فنی حرفه‌ای و دوره‌های مهارت‌آموزی هم نگرش دانش‌آموزان را در جهت اشتغال و کارآفرینی تغییر داده و هم باور خودکارآمدی و اعتماد به صاحب‌کسب و کار خود شدن را در آنها تقویت می‌کند. از طرفی نگرش مثبت و کارآفرینانه خود منجر به بهبود باور خودکارآمدی دانش‌آموزان می‌شود.

آزمون متغیر میانجی

برای بررسی نقش متغیر میانجی از آزمون سوبل استفاده شد. تاثیر میانجی هنگامی رخ می‌دهد که با اضافه شدن متغیر میانجی‌گر، شدت رابطه اصلی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک تغییر پیدا کند. آزمون سوبل در واقع آزمون معناداری اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر وابسته می‌باشد که از پرکاربردترین روش‌هاست. در آزمون سوبل، چنانچه مقدار $Z - value$ حاصل از فرمول (۱)، بیشتر از ۱/۹۶ باشد می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تاثیر میانجی یک متغیر را تایید نمود (رحیمی، ۱۳۹۵).

$$Z - value = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2) + (sa^2 \times sb^2)}} \quad (1)$$

در این رابطه:

a : مقدار ضریب مسیر میان متغیر آموزش‌های مهارتی بر باور خودکارآمدی

b : مقدار ضریب مسیر میان متغیر نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی

sa : خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر آموزش‌های مهارتی بر نگرش کارآفرینانه

sb : خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی

$$Z - value = \frac{0.72 \times 0.67}{\sqrt{(0.67^2 \times 0.72^2) + (0.72^2 \times 0.67^2) + (0.72^2 \times 0.67^2)}} = 4.22$$

برای تعیین شدت اثر متغیر میانجی از شاخص VAF استفاده می‌شود که از رابطه شماره ۲ به‌دست می‌آید. این ضریب مقداری بین صفر و یک بوده و هرچه به عدد یک نزدیکتر باشد نشان می‌دهد متغیر میانجی نقش قویتری در اثرگذاری متغیر مستقل بر وابسته ایفا می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۵).

$$\text{VAF} = \frac{a \times b}{(a+b)+c} = ۰/۲۴ \quad \text{رابطه شماره (۲):}$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار آماره Z (۴/۲۲) بیشتر از ۱/۹۶ بوده و بنابراین در سطح اطمینان ۰/۹۵ نقش میانجی متغیر نگرش کارآفرینانه در تاثیرگذاری آموزش‌های مهارتی بر باور خودکارآمدی تایید می‌شود. شدت اثر میانجی برابر با ۰/۲۴ بوده که نشان‌دهنده میزان نسبتاً مناسبی است. بدین معنا که آموزش‌های مهارت کارآفرینی باعث تغییر و تقویت نگرش کارآفرینانه در دانش آموزان شده و سپس باور خودکارآمدی را در آنها افزایش می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به اهمیت روزافزون کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه، تربیت و آموزش مهارت‌های کارآفرینی و ایجاد و تقویت نگرش مثبت به این موضوع یکی از اهداف ماموریت‌های مهم آموزش کشور برای نسل جوان و نوجوان محسوب می‌گردد. این مطالعه نیز در راستای بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر نگرش و باورخودکارآمدی در دانش آموزان پسر متوسطه دوم شهر کارون انجام شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر نگرش و باورخودکارآمدی دانش‌آموزان تاثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین نتایج بیان‌گر تایید تاثیر مثبت معنادار نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان بوده است. بدین معنا که آموزش‌های مهارتی در مدارس فنی حرفه‌ای و هنرستان‌ها منجر به ایجاد نگرش مثبت و خوش بینانه در دانش‌آموزان شده و در نتیجه باعث بهبود اعتماد به نفس و باور خودکارآمدی در آنها می‌شود تا در آینده بتوانند از محل همین آموزش‌ها کسب و کار شخصی خود را راه‌اندازی کنند. این نتایج با نتایج مطالعات غفرانی و همکاران (۱۴۰۱)؛ محمودی و همکاران (۱۴۰۰)؛ صادقی (۱۳۹۸)؛ دیانتی و همکاران (۱۳۹۷)؛ زاپری و خسروی‌پور (۱۳۹۷)؛ فرخ‌پور و همکاران (۱۳۹۷)؛ بهمنی و همکاران (۱۳۹۶)؛ والدز خوارز و پرز دی لما (۲۰۲۳) تیهیک و همکاران (۲۰۲۲) و اردانا و همکاران (۲۰۲۱) جاین و همکاران (۲۰۱۵) و پایهی و باقری (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

این یافته‌ها بیان می‌کنند که نگرش کارآفرینانه یک ویژگی ذاتی افراد نیست، بلکه از طریق آموزش‌های کارآفرینی می‌توان آن را در افراد شکل داد و تقویت کرد و این نگرش‌ها مقاصد رفتاری خاص در جهت کارآفرینی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. فراگیران آموزش‌های کارآفرینی از طریق دریافت حقایق، دانش و اطلاعات در زمینه کارآفرینی و ضرورت و نقش آن در رفع ابهام از آینده شغلی خود، باورهایی را درباره کارآفرینی به دست می‌آورند و این باورها توأم با ارزشیابی است اینکه آیا این آموزش‌ها می‌تواند در آینده منشأ اشتغال و برطرف‌کننده نیازهای شغلی آنها باشد یا خیر. بنابراین آموزش‌های کارآفرینی نگرش کارآفرینانه و در نتیجه باورهای خودکارآمدی را تقویت می‌کند. لوتانز و و همکاران (۲۰۰۰) باورهای خودکارآمدی را از ملزومات مهم برای داشتن انگیزه کارآفرینی و نیز تلاش برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، می‌دانند. برخی از افراد فعالیت کارآفرینانه را دوست دارند، از توانایی، دانش و مهارت لازم هم برخوردارند ولی به دلیل اعتقاد و باور نداشتن به این توانایی نمی‌توانند اقدام کنند. از آنجایی که آموزش به توانمندسازی افراد منجر می‌شود، با آموزش‌های کارآفرینی می‌توان توانمندی افراد در را زمینه کارآفرینی جهت داد و این توانمندسازی به باور خودکارآمدی کارآفرینی در افراد منجر می‌شود از طریق باورهای خودکارآمدی کارآفرینی، باور خودکارآمدی عمومی فراگیر نیز تحت تأثیر آموزش‌های کارآفرینی تقویت می‌شود. بررسی فرضیه میانجی نیز نشان داد آموزش‌های مهارتی به واسطه نگرش کارآفرینانه بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان تاثیر مثبت معنادار دارد. یعنی نقش میانجی نگرش مورد تایید قرار گرفت. بنابراین از آنجایی که ارزش‌ها باورهای افراد را شکل می‌دهند و باورها نیز متقابلاً به تقویت نگرش افراد منجر می‌شوند، می‌توان گفت از طریق آموزش‌های کارآفرینی، نگرش و ارزش‌هایی درباره کارآفرینی شکل گرفته یا تقویت شده و سپس باورهای توانمندی و خودکارآمدی کارآفرینی نیز به دست خواهد آمد. به عبارت دیگر، در این مطالعه، تاثیر آموزش‌های مهارت کارآفرینی بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم به‌واسطه نگرش کارآفرینانه مورد تایید قرار گرفت.

پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی

با توجه به نتایج به‌دست آمده و تایید همه فرضیه‌ها در این پژوهش و تاثیر مثبت و معنادار آموزش‌های مهارتی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی دانش‌آموزان، توصیه می‌شود؛ در طول دوره آموزش‌های کاربردی به دانش‌آموزان، مسئولین با همکاری معلمان ضمن دعوت از کارآفرینان

موفق و سخنرانی برای دانش‌آموزان، به معرفی مدل‌های کسب و کار، ترغیب یا قانع سازی کلامی، شیوه‌ها و تجارب کارآفرینانه خود را با آنها به اشتراک گذاشته و از این طریق بر باور خودکارآمدی دانش‌آموزان اثر گذاشته و آن را تقویت نمایند. همچنین ارائه واحد درسی کارآفرینی و دروس مرتبط به‌طور ثابت و الزامی برای انتقال و ایجاد دانش، توانش و نگرش کارآفرینی بر حسب تخصص و رشته تحصیلی دانش‌آموزان انجام گردد. استخدام معلمان با تجربه و کارآفرین که خود الگوی موفق کارآفرینی هستند، برای تدریس این واحدهای درسی کارآفرینی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. طراحی و ارائه محتوای برنامه آموزش کارآفرینی با روش‌های کاربردی و با استفاده از فناوری نوین و متناسب با علایق و نیازهای دانش‌آموزان، همچنین ارائه و صدور گواهینامه‌های معتبر و معرفی دانش‌آموزان برتر و مشتاق به مراکز مرتبط که متقاضی جذب نیرو و یا کارآموز هستند می‌تواند اثربخشی این دوره‌ها را مضاعف نموده و در نتیجه مسیری برای اشتغال و راه‌اندازی کسب و کار شخصی دانش‌آموزان را در آینده فراهم می‌کند.

همچنین برگزاری سمینارها، همایش‌ها و کارگاه‌های کاربردی در مورد کسب و کارهای کارآفرینانه و فراهم آوردن بازدیدهای میدانی از مؤسسات خصوصی و مراکز مرتبط با کارآفرینی در طول سال تحصیلی برای انگیزه‌بخشی و تقویت باور خودکارآمدی دانش‌آموزان هنرستان‌ها می‌تواند موثر باشد.

با انجام هر پژوهش، راه به‌سوی پژوهش‌های بعدی باز می‌شود و لزوم انجام پژوهش‌های بیشتری احساس می‌گردد. در ادامه این مطالعه به پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد تاثیر آموزش‌های مهارت کارآفرینی را بر رفتارهای کارآفرینانه و سطح اشتغال را علاوه بر هنرستان‌ها و مدارس فنی و حرفه‌ای در سایر مدارس و حتی در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار دهند تا نتایج گسترده‌تر با قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری احصاء شود. همچنین با توجه به محدودیت ذاتی پرسشنامه در جمع‌آوری داده‌ها که از ورود عمیق به نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد ناتوان است، پیشنهاد می‌شود جهت کسب اطلاعات دقیق‌تر علاوه بر پرسشنامه، با انجام مطالعات کیفی و از طریق مصاحبه، با اساتید، خبرگان و کارشناسان در زمینه آموزش‌های مهارت کارآفرینی و باور خودکارآمدی مصاحبه‌های عمیق انجام داده و اقدام به تکمیل داده‌ها و اطلاعات نموده تا الگوی جامع‌تری برای متغیرهای پژوهش ارائه شود.

منابع

۱. بهمنی، ندا، آراستی، زهرا، حسینی، سیدرسول. (۱۳۹۶). آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۰(۴): ۵۷۴-۵۵۵.
۲. جدیدی محمدآبادی، اکبر و یزدانی زاده راوری، فاطمه، (۱۳۹۹). نظام آموزشی و مهارتی فنی و حرفه‌ای و اشتغال در برنامه درسی، هشتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: ایران.
۳. سرمد، زهره. بازرگان، عباس حجازی، الهه. (۱۴۰۱). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، چاپ ۳۶، تهران، نشر آگاه.
۴. شاکری، محسن. برزگر بفروئی، کاظم. و جمشیدی، محمدعلی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد براساس نظریه داده‌بنیاد، نوآوری‌های آموزشی، ۱۸(۷۱): ۳۰-۵۹.
۵. دانایی‌فرد، حسن. الوانی، سیدمهدی. آذر، عادل. (۱۴۰۰). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، چاپ ۱۴، تهران: انتشارات صفار.
۶. دیانتی، مژگان، کریمی، آصف واکبری، مرتضی. (۱۳۹۷). تأثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر تشخیص فرصت‌ها: با ملاحظه نقش اشتیاق کارآفرینانه شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۱(۱): ۶۱-۸۰.
۷. ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۹). کارآفرینی از تئوری تا عمل، مشهد: نشر جهان فردا.
۸. رحیمی، فرج‌الله. (۱۳۹۵). نرم افزارهای کاربردی در تحقیقات مدیریت، اهواز: نشر تراوا.

۹. زایری، هاجر و خسروی پور، بهمن. (۱۳۹۷). نقش آموزشهای مهارتی در توانمندسازی و اشتغال دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.
۱۰. صادقی، صدیقه، (۱۳۹۸)، بررسی نقش آموزش مهارت های نرم در توانمند سازی کارآفرینان، نخستین همایش ملی مطالعات جدید در کارآفرینی و مدیریت کسب و کار، سمنان: ایران.
۱۱. صفا، لیلا، منگلی، نسرين (۱۳۹۶)، تاثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۱(۳۳): ۳-۱۵.
۱۲. فرخ پور، الهه؛ خانپور، حمیدرضا و فرخ پور، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی نقش آموزش های مهارتی در مشاغل نوین با رویکرد تکنولوژی در شرایط اقتصاد مقاومتی. کنفرانس بین-المللی مدیریت و کارآفرینی با تاکید بر شرایط اقتصاد مقاومتی.
۱۳. عشقی عراقی، مهتاب. و غنی پور، فاطمه. (۱۳۹۶). خودکارآمدی کارآفرینی و سبک زندگی راهبرد تحقق قصد کارآفرینی (مطالعه مورد: دانشگاه علمی کاربردی جهاددانشگاهی استان مرکزی). نوآوری و ارزش آفرینی، ۶(۱۱): ۷۵-۹۲.
۱۴. غفرانی، نرگس؛ حسینی، سیدرسول، موسی خانی، مرتضی، (۱۴۰۱) در پژوهشی به طراحی مدل مدرسه کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی های کارآفرینانه در مقطع متوسطه. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۵(۱): ۱۴۱-۱۶۰.
۱۵. محسنی، علی، موسوی، حسین و جمالی، مریم. (۱۳۹۲). نقش آموزش کارآفرینی در نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۶۰(۴۵): ۱-۱۶.
۱۶. محمدی، سارا. محمودی، ادریس. اشرف مدرس، علیرضا. (۱۳۹۹). فرهنگ سازمانی و اشتیاق کارآفرینانه: نقش میانجی بازارگرایی و یادگیری سازمانی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۴۵): ۸۱-۱۰۲.
۱۷. محمودی، فیروز؛ ادیب، یوسف و حسین زاده نباتی، مریم. (۱۴۰۰)، رابطه نگرش به درس کار و فناوری با مؤلفه های نگرش کارآفرینی دانش آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک تبریز. فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، ۱۵(۲): ۳۰۵-۳۱۹.

۱۸. مسلمی، ناهید؛ حمیدزاده، علی و خنیفر، حسین (۱۴۰۰). ارائه مدل خط‌مشی‌گذاری آموزشی مبتنی بر رویکرد رفتاری در حوزه آموزش‌های مهارتی در ایران: یک مطالعه کیفی. فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۲۸: ۳۶۲ - ۳۸۲.

۱۹. Anderson, A., (۲۰۱۸). A View on the Most Change in Vocational and Technical Education in England for a Generation, Higher Education, Skills and Work- Based. *Learning*, ۸(۲): ۱۱۳-۱۱۶.
۲۰. Athayde, R. (۲۰۰۹). "Measuring enterprise potential in young people" *Entrepreneurship Theory and Practice*. ۳۳(۲): ۴۸۱-۵۰۰.
۲۱. Dahlgren, C., Björnsdottir, H., Sundqvist, M., Christenson, K., & Bylund, J. (۲۰۲۰). Measurement of respiratory burst products, released or retained, during activation of professional phagocytes. *Neutrophil: Methods and Protocols*, ۳۰۱-۳۲۴.
۲۲. Gibb, A. (۲۰۰۵). The future of entrepreneurship education—Determining the basis for coherent policy and practice. *The dynamics of learning entrepreneurship in a cross-cultural university context*, ۲(۲۰۰۵), ۴۴-۶۷.
۲۳. Kim, C. K., & Yang, J. H. (۲۰۱۷). A Study on the Factors Affecting Entrepreneurial Attitude of Korean Secondary School Students: Focused on Mediating Effect of Entrepreneurial Motivation. *Management Education Research*, ۳۲(۵), ۷۷-۹۷
۲۴. Kline, R. B. (۲۰۲۳). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications.
۲۵. Jain, R., & Wajid Ali, S. Kamble, S. (۲۰۱۵). Entrepreneurial and Intrapreneurial Attitudes: Conceptualization, Measure Development, Measure Test and Model Fit. *Management and Labour Studies*: ۴۰(۱&۲): ۱-۲۱.
۲۶. Linan, F. and Chen, Y. (۲۰۰۹). Development and cross-cultural application of a specific instrument to measure entrepreneurial intention. *Entrepreneurship Theory and Practice*, ۳۳(۳), ۵۹۳- ۶۱۷.
۲۷. Liu, M., Cai, Y., Han, S., & Shao, P. (۲۰۲۳). Understanding Middle School Students' Self-Efficacy and Performance in a Technology-Enriched Problem-Based Learning Program: A Learning Analytics Approach. *Journal of Educational Technology Systems*, ۵۱(۴): ۵۱۳-۵۴۳.
۲۸. Lorz, L. (۲۰۱۱). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial intention. Ph.D. Dissertation, University of St. Gallen, School of Management, Economics and Social Sciences, Germany.
۲۹. Luthans, F., Oplatka, I. Perttula, K (۲۰۰۰). "Understanding teacher entrepreneurship in the globalized society: Some lessons from self-starter Israeli school teachers in road safety education".

- Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*. ۸(۱), ۲۰-۳۳.
۳۰. Mary, K. (۲۰۲۱). An exploration of the perceived factors that affect the learning and transfer of skills taught to student midwives. *Journal Of Midwifery*, ۲۹, ۸۳۱-۸۳۷.
 ۳۱. Mohammadi, S., Mahmoodi, E., & Ashraf Modarres, A. (۲۰۲۰). Organizational Culture and Entrepreneurial Passion: the mediating role of Market Orientation and Organizational Learning. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, ۱۱(۴۵), ۸۱-۱۰۲.
 ۳۲. Mohammadi, S., Nadaf, M. Moosavi, F. (۲۰۲۰). Explaining the mediating role of Organizational Ambidexterity (Exploration and exploitation) in effect of transformational leadership on entrepreneurial Alertness (the case: one of the Oil & Gas Exploitation Company from NISOC). *Scientific Journal of Oil & Gas Exploration & Production*, (۱۷۸), ۱۹-۲۸.
 ۳۳. Pihie, Z. L., & Bagheri, A. (۲۰۱۱). Malay secondary school students' entrepreneurial attitude orientation and entrepreneurial self-efficacy: A descriptive study. *Journal of Applied Sciences*, ۱۱(۲), ۳۱۶-۳۲۲.
 ۳۴. Smith, A. J., Collins, L. A., & Hannon, P. D. (۲۰۰۶). Embedding new entrepreneurship programmes in UK higher education institutions: challenges and considerations. *Education+ training*, ۴۸(۸/۹): ۵۵۵-۵۶۷.
 ۳۵. Tihic, M., Hadzic, M., McKelvie, A., (۲۰۲۱). Social support and its effects on self-efficacy among entrepreneurs with disabilities. *Journal of Business Venturing Insights* ۱۶, ۲۰۲۱, e۰۰۲۷۹.
 ۳۶. Valdez-Juárez, L., & Pérez-de-Lema, D. (۲۰۲۳). Creativity and the family environment, facilitators of self-efficacy for entrepreneurial intentions in university students: Case ITSON Mexico. *The International Journal of Management Education*, ۲۱(۱): ۲۰۲۳, ۱۰۰۷۶۴.
 ۳۷. Wardana, L., Narmaditya, B., Wibowo, A., Mahendra, A., Wibowo, A., Harwida, G., Rohman, A. (۲۰۲۱). The impact of entrepreneurship education and students' entrepreneurial mindset: the mediating role of attitude and self-efficacy. *Jornal of Heliyon*, ۶(۹): ۱-۷.